

دکتر کیومرث اشتریان \*

## مهندسی سؤال: راهنمای عملی طرح سؤال پژوهش

چکیده: طرح سؤال پژوهش یکی از اساسی‌ترین مراحل در پژوهش اجتماعی است. بسیاری از پژوهش‌ها به نتیجه نمی‌رسد چرا که اساساً پرسشی دقیق در ابتدای کار وجود نداشته است. سؤال پژوهش، سنگ بنای اولیه تحقیق است که اگر کج نهاده شود، بنای پژوهش را متزلزل نموده و سرانجام آن را به بی‌راهه خواهد برد. اما با وجود اهمیت سؤال پژوهشی در تحقیقات علوم اجتماعی، کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط به مباحث روش تحقیق کمترین حجم خود را به این امر اختصاص داده‌اند، در این مقاله با استفاده از تکنیک‌های عملی سعی شده تا دانشجویان با پیچیدگی‌های طرح سؤال پژوهش آشنا شوند و با به‌کارگیری این تکنیک‌ها به سؤال دقیق و شفاف دست یابند.

### مقدمه

مقاله حاضر بر آن است تا با ساده‌نویسی، اختصار و ذکر مثال‌هایی در زمینه علوم سیاسی، دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد را در شفاف شدن نخستین مرحله پژوهشی، یعنی «سؤال تحقیق» یاری دهد.

یکی از اساسی‌ترین مراحل پژوهش که در بسیاری از موارد به آن بی‌توجهی می‌شود تهیه و صورتبندی پرسش تحقیق است. اساساً به دلیل آنکه پرسش ما مبهم بوده است یا

پرسشی نداشته‌ایم بسیاری از پژوهش‌های ما به نتیجه نمی‌رسد. (۱) بسیاری از پژوهش‌ها مسیر مشخصی را طی نمی‌کنند چرا که اساساً مسیر آن از همان ابتدا توسط یک پرسش غیردقیق دچار ابهام شده است. آنچه مسیر آینده‌کار تحقیقی را ترسیم کرده و مرزهای تحقیق را مشخص می‌کند پرسش پژوهش است و نشان می‌دهد به چه موضوعاتی باید یا نباید پرداخت. برخی از نویسندگان به اهمیت سؤال پژوهش پرداخته و ضرورت وجود یک سؤال «روشن و بدون ابهام» را مورد تأیید قرار داده‌اند. به نظر کرلینجر (۱۹۸۶) و تاک من (۱۹۸۳) یک سؤال باید رابطه بین متغیرها را نشان داده و در عین حال بدون ابهام و آزمون‌پذیر باشد. (۲) ولی در میان نوشته‌های این نویسندگان و بسیاری دیگر (۳) به آنچه که توجه نشده همان چگونگی دستیابی به یک سؤال شفاف است. این مقاله درصدد است تا تکنیک‌هایی را برای شفاف‌سازی پرسش پژوهش نشان دهد. مخاطب این نوشتار، دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشند؛ چرا که نویسنده در طی تدریس درس روش تحقیق در علوم سیاسی در دانشگاه‌های مختلف، مشاهده کرده است که اصلی‌ترین مشکلی که فراروی دانشجویان قرار دارد ابهام در پرسش‌های آنان است.

گویند شیئی در اطاقی گم شده بود، کسان بسیاری برای پیدا کردن شی گمشده وارد اطاق می‌شدند و پس از باز کردن در و کنار زدن پرده‌ای که مقابل آن آویخته شده بود، به جستجو می‌پرداختند؛ ولی نمی‌توانستند شیئی گمشده را پیدا کنند. فقط یک نفر توانست آن را بیابد و آن هم جستجوگر موفقی بود که پس از باز کردن در، پرده آویخته شده را به کناری نزد و جستجو را از همان پرده آغاز کرد... شی گمشده به پرده آویخته، الصاق شده بود! پرده‌ای که هیچ‌کس توجهی به آن نمی‌کرد و بلافاصله پس از ورود، آن را به کنار می‌زد.

حکایت سؤال پژوهش هم‌چنین سرنوشتی دارد، در پژوهش کلید یافتن گمشده اصلی در مرحله طرح سؤال نهفته است. مرحله‌ای که بسیاری از دانشجویان و پژوهشگران تازه‌کار به آن توجه نمی‌کنند. افراد بسیاری با طرح یک موضوع کلی و مبهم با تصور اینکه یک سؤال درست در ذهن دارند، به جستجوی پاسخ می‌پردازند که البته هیچ‌گاه هم به پاسخی شفاف نمی‌رسند. باید به آنها نهیب زد که پژوهش خود را پس از

طرح موضوعی کلی شروع نکنند. پژوهش با جستجو و تهیه یک سؤال دقیق، شروع می‌شود. برای طرح یک سؤال هم باید به پژوهش پرداخت.

### چگونه می‌توان به یک سؤال دقیق دست یافت؟

تفکر عمیق و پیوسته و تأمل بسیار در سؤال باید روح کلی حاکم بر جستجوی ما برای دسترسی به یک سؤال شفاف باشد. برای نیل به این مقصود می‌توان از تکنیک‌های عملی بهره جست. این تکنیک‌های عملی، ابزارهای تفکر هستند و نه خود تفکر، اندیشه‌ورزی را آسان‌تر می‌کنند و به راهنمایی علمی دانشجویان در دستیابی به یک سؤال شفاف می‌پردازند. در این مقاله به چند تکنیک ساده ولی در عین حال ظریف و پراهمیت اشاره خواهد شد. بی‌تردید می‌توان به این تکنیک‌ها افزود و بسته به مشکلات خاص دانشجویان و چاره‌هایی که برای آنها می‌اندیشیم می‌توان به ابداع تکنیک‌های جدید مبادرت ورزید. تکنیک‌های ذیل حاصل تجربه نویسنده در تدریس درس روش تحقیق در علوم سیاسی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در چند دانشگاه کشور می‌باشد.

### ۱. انجام مطالعات مقدماتی و کلی پیرامون موضوع کلی

پرسش از علم خیزد نی ز جهل

بی‌تردید یک سؤال در خلا ذهنی نسبت به یک موضوع پدید نمی‌آید و حتماً پیشینه‌ای یا اطلاعاتی کلی از یک موضوع است که سؤالی را در ذهن ما پدید می‌آورد. اگر هیچ‌گونه اطلاعی از چیزی نداشته باشیم، طبعاً سؤالی نیز نسبت به آن موضوع در ذهن ما نقش نمی‌بندد. اگر از وجود حیوانی به نام دایناسور در گذشته تاریخ زمین بی‌اطلاع باشیم؛ بی‌شک پرسشی نیز راجع به چگونگی زیست این حیوان و مشخصات آن نخواهیم داشت، پس پیشینه سؤال، وجود اطلاعاتی کلی، ولو ناقص نسبت به امری است و هر چه که این اطلاعات بیشتر باشد، سؤال ما نیز دقیق‌تر خواهد بود چرا که بر میزان نادانسته‌ها و نواقص اطلاعاتی خود وقوف بیشتری داشته و می‌دانیم که نسبت به چه چیز نادانیم. هر چه اطلاعات پژوهشگر بیشتر باشد، بهتر می‌تواند حیطة نادانسته‌های خود را تشخیص دهد و در نتیجه می‌تواند با طرح پرسش‌های دقیق‌تر به

رفع نقایص موجود در شناخت خود برآید. از این رو توصیه می‌شود که نسبت به موضوع تحقیق حتماً مطالعاتی مقدماتی وجود داشته باشد. پژوهشگر باید به مقاله‌ها و کتاب‌هایی که به صورت کلی، به موضوعی خاص پرداخته باشند مراجعه نموده و این اطلاعات را کسب نماید. این امر، پژوهشگر مبتدی را نسبت به طرح سؤال شفاف، یاری خواهد رساند. (۴)

چه بسا دانشجویانی که به انتخاب موضوعی یا طرح سؤالی مبادرت می‌ورزند و از آنجا که خود اطلاعات زیادی راجع به آن موضوع ندارند، تصور می‌کنند که قبل از آنان کسی به آن موضوع نپرداخته و لذا هیچ منبعی در آن زمینه وجود ندارد؛ غافل از آنکه اینان جهل خود را تعمیم می‌دهند و در زمینه موضوع مورد نظر هیچ مطالعه مقدماتی را انجام نداده‌اند.

## ۲. تفکیک موضوع تحقیق از سؤال تحقیق

یکی از لغزشگاه‌هایی که بر سر راه پژوهشگر قرار دارد، خلط موضوع و سؤال پژوهش است. موضوع پژوهش فراتر، عام‌تر و گسترده‌تر از سؤال پژوهش است. از درون موضوع پژوهش می‌توان سؤالات متعدد و متنوعی را برگزید. به دیگر بیان، موضوع پژوهش را می‌توان به بخش‌های مختلفی که هر یک می‌توانند ما را به سؤالی رهنمون نمایند تقسیم شوند، از این رو هر پژوهشگر باید سیری را از موضوعی کلی به سؤالی ویژه، (حداقل در ذهن خود) ترسیم نماید تا بتواند حد و مرزهای دقیق سؤال خود را مشخص نماید.

بسیارند دانشجویانی که بدون طرح سؤال دقیق، به مطالعات نامنظم و پراکنده‌ای دست می‌زنند. مثلاً دانشجویی که که درباره سیاست خارجی آمریکا کار می‌کند باید توجه داشته باشد که سیاست خارجی آمریکا خود موضوعی کلی است که قابل تقسیم به شقوق بسیار است.

باید توجه داشت که مطالعات پراکنده درباره موضوعی کلی که در بخش قبلی به آن پرداختیم، باید هدفی را دنبال کند و آن هدف عبارت است از رسیدن به یک سؤال ویژه، دقیق و شفاف. این امر مستلزم بازشناسی شقوق مختلف یک موضوع کلی است. شقوقی

که هر یک نیازمند شناسایی و پژوهش مستقیم هستند و پژوهشگر موفق، آن است که از شقوق مختلف یک موضوع بتواند به محدودسازی یک سؤال شفاف و مشخص نایل گردد.

پژوهشگر باید در بادی امر به این مهم توجه داشته باشد و بازشناسی جنبه‌های مختلف و شقوق متنوع یک موضوع یا یک پدیده را وجهه همت خود قرار دهد. بدون انجام این مهم، پژوهشگر خود را با انبوهی از مسائل مواجه می‌بیند که به نحوی با هم مرتبطند و پژوهشگر مبتدی از سرغفلت به مسائل و شاخه‌های مختلفی می‌پردازد و در جنگلی از سؤالات، همواره از شاخه‌ای به شاخه دیگر حرکت می‌کند. (۵)

بنابراین تفکیک موضوع به شقوق مختلف و محدودسازی کار پژوهش به یک یا چند سؤال خاص، نیاز اصلی و اولیه پژوهش اجتماعی است. پژوهشگر باید به طرح سؤالات متعددی که درباره یک موضوع قابل بررسی می‌باشند پردازد. هدف این تلاش فکری و ذهنی این است که پژوهشگر به تحدید و مرزبندی زمینه‌های پژوهش پرداخته و خود را در «زندان» یک سؤال بیفکند و برای حل آن یا از حیطة آن «زندان» فراتر نگذارد. به دیگر بیان به سؤالاتی که در همسایگی و در نزدیکی سؤال اصلی اش مطرح است، در صورت امکان نپردازد و با تعیین و مرزبندی یک قطعه زمین به مهندسی و بنای ساختمانی پرداخته و برای ساخت آن به زمین‌های همجوار خود تعدی و تجاوز نکند. به مثال بسیار ساده زیر توجه کنید:

فرض کنیم یک دانشجوی تازه کار می‌خواهد به تحقیق و تفحص راجع به فردی به نام «حسین حسینی» پردازد. در نخستین گام باید شقوق و جنبه‌های مختلفی را که می‌توان درباره آقای حسین حسینی به پژوهش پرداخت، شناسایی نماید. آیا راجع به وضعیت خانوادگی وی می‌خواهد به تحقیق پردازد یا راجع به مسائل اقتصادی و مالی اش؟ آیا راجع به خصوصیات روانی او تحقیق می‌نماید یا درباره خصوصیات فیزیکی و جسمی نامبرده؟ پس از این تقسیم‌بندی که تا حدودی برخی از شقوق و جنبه‌های محتمل موضوع شناسایی شدند؛ فرض می‌کنیم که دانشجوی جوان موضوع خود را به خصوصیات فیزیکی و جسمی آقای حسین حسینی محدود ساخته است.

اینجاست که مرحله دیگری از شفاف‌سازی و محدودسازی موضوع را شروع می‌کند و آن این است که در محدوده خصوصیات فیزیکی و جسمی آقای حسینی به شناسایی جنبه‌ها و شقوق مختلف می‌پردازد: آیا راجع به قد و وزن او و عللی که به کوتاهی یا بلندی یا به فرهی و لاغری او منجر شده است، می‌پردازد؟ آیا به چشم، موی سر یا به گونه و بینی او خواهد پرداخت؟ آیا...؟ پس از آنکه به حد کفایتی منطقی و عرفی از شقوق مختلف فرا روی خود پرده برداشت، می‌تواند برای تحقیق خود سئوالاتی از این قبیل برگزیند:

رنگ چشم آقای حسینی چیست؟

قد آقای حسینی چند سانتیمتر است؟

سن او چقدر است؟

در این مثال بسیار ساده، اگر دانشجویی بخواهد فقط یک سؤال را (مثلاً رنگ چشم حسین حسینی چیست؟) برگزیند، باید بداند که مثلاً به سئوالاتی در مورد قد یا وزن یا میزان حقوق دریافتی او در ماه نباید پردازد. اگر سئوالاتی راجع به رنگ چشم آقای حسینی مطرح می‌شود، نباید پاسخی راجع به مژده او دریافت داریم؛ هر چند که چشم و مژده او در نزدیکی یکدیگر قرار دارند.

البته در این مقاله به طرح مثال‌های ملموس‌تری در زمینه علوم اجتماعی خواهیم پرداخت اما خاصیت این مثال این است که به ساده‌ترین شکل ممکن به دانشجو یادآوری می‌کند که اولاً به خلط سئوالات مختلف نپردازد و ثانیاً ضروری است که موضوع کلی را از سؤال تفکیک نماید. هدف اساسی ما از برشماری شقوق و جنبه‌های مختلف یک موضوع، رسیدن به یک یا چند سؤال شفاف است که ما را محدود به حدودی مشخص بنماید تا پس از انتخاب یک یا چند سؤال از لغزیدن و پرداختن به سئوالات و موضوعاتی که ربط درستی با مسأله ما ندارد، پرهیز کنیم. این تقسیم‌بندی به این معنی نیست که حتماً باید پژوهشگر تا آنجا به محدودسازی و خرد کردن موضوع پردازد که با غرق شدن در جزئیات بیهوده از درک و فهم واقعی پدیده‌ها باز بماند؛ بلکه هدف اصلی، مشخص نمودن منطقی مرزهای کار پژوهشی است. شفاف کردن سؤال و از ابهام‌دواری گزیدن نباید به معنی پاره‌پاره کردن پدیده مورد مطالعه باشد. پژوهشگر

باید از قطعه قطعه کردن پدیده‌های اجتماعی پرهیز کند؛ چرا که این امر منجر به نقص بیش از اندازه شناخت شده و موجب دور شدن از واقعیت می‌شود. «کسانی به خطا پنداشته‌اند که مراد از مسأله مشخص، مسأله‌ای بسیار تنگ دامنه است و حال آنکه مسأله مشخص، مسأله‌ای است با مرزهای معین - خواه پهناور و خواه تنگ.» (۶)

هنگامی که به مباحث و موضوعات اجتماعی می‌پردازیم، چه بسیارند پاسخهای نامربوطی که به پرسش‌ها داده می‌شوند ولی بی‌دقتی پژوهشگر یا گرایش‌های اخلاقی و ارزشی، او را قادر به فهم بی‌ربطی نمی‌کند. مثلاً سؤالی که مربوط به اختلافات ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه در خلیج فارس و رابطه آن با امنیت ملی ج.ا.ا. است با پاسخی که فقط به بیان تاریخ جزایر سه‌گانه خلیج فارس اکتفا کرده است، مواجه می‌شود یا اینکه همین سؤال با پاسخی که صرفاً با طرح موضوعاتی راجع به امنیت ملی بوده پاسخ داده می‌شود اما هیچ‌کدام از پاسخ‌های فوق به بیان رابطه بین دو متغیر فوق؛ یعنی رابطه بحران جزایر سه‌گانه و امنیت ملی ج.ا.ا. نمی‌پردازند.

#### جدول ۱. پاسخ‌های مختلف به یک سؤال

سؤال	پاسخ	درست	غلط
بحران جزایر سه‌گانه در خلیج فارس و رابطه آن با امنیت ملی ج.ا.ا.	پاسخ اول - پرداختن به تاریخ جزایر سه‌گانه خلیج فارس		xx
"" "" ""	پاسخ دوم. پرداختن به مباحث کلی امنیت ملی ج.ا.ا.		xx
"" "" ""	پاسخ سوم. پرداختن به رابطه مناقشه جزایر سه‌گانه و امنیت ملی ج.ا.ا. بر امنیت ملی ایران	xx	

پژوهشگری که موضوع تحقیق خود را امنیت ملی ج.ا.ا. قرار داده و جنبه‌های مختلف آن را تفکیک نکرده است، نمی‌داند که آیا راجع به تهدیدهای امنیتی و اطلاعاتی می‌خواهد کار کند یا راجع به مسائل فرهنگی و امنیت ملی ج.ا.ا. یا راجع به اقلیت قومی و واکنش آنها و تأثیر

آن بر امنیت ملی یا... (که البته هر یک از شقوق اخیر نیز قابل تفکیک به شقوق خردتری می‌باشند). به دنبال همین ابهام است که چه بسیار پاسخ‌هایی نامربوط داده می‌شود.

### ۳. تفکیک زمانی

در این حالت از تفکیک، پژوهشگر می‌تواند با گزینش یک مقطع تاریخی به برش زمانی در یک موضوع مشخص مبادرت ورزد. بسیاری از موضوعات را می‌توان با کاوشی تاریخی در مقاطع مختلف مشاهده کرد؛ مثلاً تاریخ سیاست خارجی فعال آمریکا در ایران به بیش از چهل سال می‌رسد که آن را می‌توان هم در فاصله سال‌های ۳۲ تا ۵۷، هم پس از انقلاب اسلامی و هم پس از خرداد ۷۶ مطالعه کرد. همین موضوع را به گونه‌ای دیگر می‌توان تقطیع کرد. بدین شکل که سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در ارتباط با ایران در زمان هر یک از رؤسای جمهوری این کشور مورد مطالعه قرار گیرد. پژوهشگر باید براساس مبنایی منطقی به تقطیع زمانی مبادرت ورزد. مثلاً قابل تصور است که سیاست خارجی آمریکا در زمان ریگان تفاوتی شکلی و شاید ماهوی با زمان کارتر داشته باشد. چون هر یک از این دو، نماینده‌گر ایش سیاسی خاصی در آمریکا هستند. اما این مبنای منطقی مثلاً در تقطیع زمانی دو سال اول ریاست جمهوری ریگان با دو سال دوم او به چشم نمی‌خورد.

### ۴. تفکیک محتوایی

گونه دیگر تفکیک عبارت است از تفکیک محتوایی یا موضوعی. در این تفکیک محتوا و ماهیت بخش‌های مختلف، ما را به تفکیک و تقطیع رهنمون می‌کند. در مثال سیاست خارجی آمریکا در رابطه با ایران می‌توان به مطالعه این سیاست در زمینه‌های سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی یا نظامی مبادرت ورزید. که البته هر یک از اینها نیز خود قابل تفکیک است. مثلاً سیاست اقتصادی آمریکا در رابطه با ایران دامنه گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. از جمله:

- «تلاش آمریکا برای محدود ساختن روابط اقتصادی ایران و جمهوریهای شوروی



- «سیاست‌های نفتی این کشور برای تغییر قیمت نفت»

- و یا «سیاست آمریکا بر اعمال نفوذ بر بانک جهانی در رابطه با ایران».

مبنای منطقی تفکیک محتوایی وجود پیوستگی، هماهنگی و ربط وثیق و عدم تناقض در اجزای یک موضوع است. در مثال فوق، نزدیکی جمهوریهای شوروی سابق با ایران وجود علقه‌های تاریخی مردم آن سامان با ایرانیان و وجود زمینه روابط تجاری و اقتصادی با آن کشورها (که می‌تواند به شکوفایی روابط اقتصادی ایران و کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای میانه بیانجامد) اجزای هماهنگی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند چارچوب‌های اولیه تفکیک محتوایی ما را سامان دهند. اما مثلاً سیاست اقتصادی آمریکا در ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین در زمینه آنچه که مربوط به تجارت قهوه می‌باشد، فاقد ربطی وثیق با سیاست اقتصادی آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران است.

گاه تفکیک محتوایی، می‌تواند مقطع تاریخ گسترده‌ای را فراروی پژوهشگر قرار دهد. مثلاً برای مطالعه رابطه فرهنگ و سیاست خارجی آمریکا، پژوهشگر می‌تواند تأثیر فرهنگ آمریکا را بر سیاست خارجی این کشور در دوران جنگ سرد بررسی نماید و به یک جمع‌بندی تاریخی نایل آید و زوایا و چگونگی این تأثیر را شناسایی نماید.

## ۵. تفکیک مکانی و جغرافیایی

گونه دیگری از تفکیک که در موضوعات علوم اجتماعی قابل تصور است، تفکیک مکانی و جغرافیایی است. پژوهشگر، می‌تواند مطالعه خود را بر یک یا چند نقطه جغرافیایی خاص یا بر واحد سیاسی خاصی متمرکز نماید. مثلاً بررسی سیاست خارجی آمریکا را در رابطه با یک حوزه مشخص را وجهه همت خویش قرار دهد؛ سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین و...

## ۶. تفکیک چندگانه

پژوهشگر در این‌گونه تفکیک، دو یا چند تفکیک را با هم در رابطه با موضوع خود انجام می‌دهد و بدین ترتیب وجوه مختلف یک موضوع را محدود می‌نماید. مثلاً سیاست فرهنگی آمریکا در رابطه با ایران در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون. در این

مثال اولاً، تفکیک جغرافیایی انجام شده است؛ یعنی دو واحد جغرافیایی خاص را برگزیده‌ایم و سیاست خارجی آمریکا را در رابطه با یک واحد جغرافیایی مشخص، مطالعه می‌کنیم. ثانیاً با انتخاب سیاست فرهنگی آمریکا به تفکیک موضوعی پرداخته‌ایم و ثالثاً، تقطیع زمانی آن با انتخاب دوره زمامداری کلیتون حاصل شده است. نکته‌ای که باید تذکر داد، این است که هدف نهایی ما از مبحث تفکیک، نظم بخشیدن به تفکر است. نظم در تفکر، پایه‌ای برای تفکر منطقی است که خود مرحله ژرف‌تری در پژوهش اجتماعی است؛ نظم ذهنی، استدلال عقلانی را تقویت می‌نماید. بی‌تردید نظم بخشیدن، مشخص کردن جغرافیای موضوعی، مهندسی حیطه تفکر اجتماعی و... به استحکام استدلال عقلی ما کمک شایانی خواهد کرد و این نه به مفهوم تقطیع بی‌رویه پدیده‌های اجتماعی است. بدیهی است که پس از مشخص کردن مرزبندی‌ها و تقطیع منطقی موضوعات و کشف و استخراج سؤال‌های متعدد می‌توان به ترکیب پرسش‌های متعددی که پیوندهای ماهوی دارند و به شناخت کل بزرگتری می‌انجامند پرداخت. فقط هنگامی که تکرار را بازشناسی کنیم می‌توانیم به وحدت سؤال‌ها و پیوند زمینه‌ها و موضوعات پردازیم. آنچه پژوهشگر تازه‌کار را از دام ابهام و سرگشتگی می‌رهاند، تقطیع و تفکیک است. بی‌تردید پژوهشگر متبحر با زدن پلی بر روی این تفکیک‌ها سرعت می‌تواند سؤالات متعددی را در قالب موضوعی گسترده طرح نماید. که این امر مستلزم تسلط پژوهشگر بر موضوع است.

مثال زیر تفکیک‌های فوق را به صورت عینی‌تری نشان می‌دهد:

پژوهشگر ابتدا موضوعی کلی را برمی‌گزیند و آن عبارت است از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. طبیعی است که محدودیت‌های مختلفی بر سر راه یک دانشجو وجود دارد که به وی اجازه پرداختن به همه جنبه‌های سیاست خارجی آمریکا را نمی‌دهد. از این‌رو وی ملزم به محدود کردن خود در چارچوب مشخص‌تر و محدودتری است تا بتواند بخوبی از عهده پژوهش خود برآید. برای انجام این کار باید در طی چند مرحله به محدود کردن موضوع پژوهش پرداخت؛ به گونه‌ای که هر مرحله نسبت به مرحله پیش محدودتر و شفاف‌تر باشد. از این‌رو، در اولین مرحله، برخی از جنبه‌های ممکن سیاست خارجی آمریکا را بر می‌شماریم تا از میان آنان یکی را برگزینیم. برخی از شقوق

محتمل در این مثال عبارتند از: جنبه فرهنگی، جنبه‌های نظامی، جنبه‌های اقتصادی و...

جدول ۲. مرحله اول شفاف کردن سؤال پژوهش

موضوع کلی	مرحله اول. شقوق مختلف سیاست خارجی امریکا
سیاست خارجی ایالات متحده امریکا	الف. جنبه‌های نظامی ب. جنبه‌های فرهنگی ج. جنبه‌های اقتصادی د. ...

سپس در دومین مرحله به گزینش یکی از جنبه‌های فوق می‌پردازیم مثلاً بنابر علاقه خود جنبه‌های فرهنگی سیاست خارجی امریکا را بر می‌گزینیم و به بر شمردن شقوق محتمل آن می‌پردازیم:

عناصر تأثیرگذار در فرهنگ سیاسی امریکا و بازتاب آن در سیاست خارجی امریکا، ابزارهای فرهنگی در سیاست خارجی امریکا، برخوردهای متقابل سیاست خارجی امریکا و فرهنگ‌ها و تمدن‌های متعارض آن، سیاست خارجی امریکا و گفتگوی تمدن‌ها و...

جدول ۳. مرحله دوم شفاف کردن سؤال

موضوع کلی	مرحله اول. شقوق مختلف سیاست خارجی امریکا	مرحله دوم. شقوق مختلف جنبه‌های فرهنگ سیاست خارجی امریکا
سیاست خارجی امریکا	الف. ... ب. جنبه‌های فرهنگی ج. ... د. ...	الف. عناصر تأثیرگذار در فرهنگ سیاسی امریکا و بازتاب آن در سیاست خارجی امریکا ب. ابزارهای فرهنگی در سیاست خارجی امریکا د. سیاست خارجی امریکا و موضوع گفتگوی تمدن‌ها

در مرحله بعدی، کار شفاف‌سازی و محدود کردن سؤال پژوهش را با انتخاب یکی از گزینه‌های مرحله ۲ ادامه داده و فرض کنیم که به دلیل علاقه شخصی به انتخاب مورد الف می‌پردازیم؛ یعنی «عناصر تأثیرگذار در فرهنگ سیاسی امریکا و بازتاب آن در سیاست خارجی ایالات متحده.» قدم بعدی عبارت است از برشمردن شقوق مختلف و ممکن این موضوع که دیگر از حالت کلی خارج شده و تا حد زیادی به یک سؤال شفاف نزدیک شده است. اما پژوهشگر می‌تواند برای وضوح بیشتر و عملیاتی‌تر کردن سؤال، آن را در وضعیت ویژه‌ای قرار داده و با برشمردن و انتخاب چند عنصر در فرهنگ سیاسی امریکا به مطالعه رابطه این عناصر و سیاست خارجی امریکا پردازد. عناصر ذیل در فرهنگ سیاسی امریکا قابل شناسایی هستند: لیبرالیسم، آندیویدالیسم ویژه امریکایی، اندیشه منجی‌گری در بین امریکاییان و علاقه آنان به رهبری جهانی و...

جدول ۴. سومین مرحله شفاف‌سازی سؤال

موضوع کلی	انتخاب مرحله اول تفکیک	انتخاب مرحله دوم تفکیک	مرحله سوم. انتخاب چند عنصر از فرهنگ سیاسی امریکا
سیاست خارجی امریکا	الف. ... ب. ریشه‌های فرهنگی ج. ... د. ...	الف. عناصر تأثیرگذار در فرهنگ سیاسی امریکا ب. ... ج. ... د. ... ه. ...	تأثیر آندیویدوالیسم ویژه امریکایی، لیبرالیسم، اندیشه منجی‌گری و روحیه رهبری جهانی در سیاست خارجی امریکا

پس از طی سه مرحله فوق فهمیده‌ایم که در پی تأثیر سه عنصر فرهنگی بر سیاست خارجی امریکا هستیم. اما در واقع آیا به سؤالی شفاف و غیرکلی دست

یافته‌ایم؟

این، سؤالی است که پژوهشگر باید همواره در ذهن خود داشته باشد. آیا از کلی بودن موضوع رهایی یافته‌ایم؟ و اگر پاسخ مثبت است آیا سؤال ما از آفت کلی بودن زمانی نیز مصون مانده است؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم تأثیر عناصر سه‌گانه فوق را در چه مقطعی از زمان بررسی کنیم؟ آیا به تأثیر عناصر سه‌گانه فوق در دوست سال سیاست خارجی امریکا می‌پردازیم؟ یا اینکه مثلاً خود را محدود به سیاست خارجی امریکا در دوران ریاست جمهوری روزولت، جرج بوش یا کلینتون می‌نماییم؟

انتخاب با پژوهشگر است ولی در هر صورت باید آن را از ابتدا برای خود مشخص نماید. بهتر است که پژوهشگر خود را مقید به یک محدوده زمانی مشخص بنماید تا بتواند بخوبی و سرعت از عهده کار خویش برآید. چرا که انتخاب یک محدوده وسیع هم از دقت کار می‌کاهد و هم مستلزم اتلاف وقت بسیاری است.

جدول ۵. چهارمین مرحله شفاف‌سازی سؤال

موضوع کلی	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم. تعیین یک محدوده زمانی
" " "	" " "	" " "	" " "	تأثیر سه عنصر از فرهنگ سیاسی جامعه امریکا بر سیاست خارجی این کشور در زمان جرج بوش

در اینجا به سؤالی شفاف و قابل قبول دست یافته‌ایم اما لازم به یادآوری است که باز هم پژوهشگر می‌تواند آن را محدودتر نماید و با تکیه بر یک سیاست خاص به یک سؤال ویژه دست یابد؟

جدول ۶. پنجمین مرحله شفاف سازی سؤال

موضوع کلی	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله پنجم
" " "	" " "	" " "	" " "	" " "	تأثیر سه عنصر فرهنگ سیاسی جامعه آمریکا بر سیاست خارجی این، کنگسور در زمان جرج بوش: تبلیغات نظم نوین جهانی

۷. تجزیه سؤال به سؤال های فرعی

سیر از موضوع به سؤال برای آن بود که موضوع را تجزیه و تفکیک کنیم؛ اما پژوهشگر می تواند، برای گسترش موضوع به ویژه جهت تسهیل در امر پاسخگویی، سؤال خود را تجزیه نموده و آن را به سؤال های فرعی تفکیک نماید. شاید بعضی از پرسش ها قابل تفکیک به سؤال های فرعی نباشند، از این رو نباید کوشید که به طریق تصنعی و ملال آور به طرح سؤال های فرعی پرداخت.

در اینجا پژوهشگر به شناسایی و تفکیک اجزای سؤال خود پرداخته و سپس کلیدی ترین و اساسی ترین بخش آن را مشخص می کند. مثلاً پژوهشگری می خواهد تأثیر صدا و سیما را بر فرآیند توسعه سیاسی در ایران مطالعه کند. عنصر نخست سؤال عبارت است از تأثیر برنامه های صدا و سیما بر مردم و عنصر دوم آن عبارت است از توسعه سیاسی در ایران و عنصر سوم که عنصر اصلی سؤال و اساس پژوهش می باشد عبارت است از روابط این دو با یکدیگر - یعنی رابطه صدا و سیما و توسعه سیاسی در ایران. برای این امر، پژوهشگر ناچار از پاسخگویی به سوالات فرعی ذیل است.

الف - میزان استفاده مردم از صدا و سیما چقدر است؟

ب - تفکیک مردم به گروه های سنی و اجتماعی مشخص و سپس پاسخ دادن به این سؤال که هر یک از گروه های سنی یا طبقات اجتماعی به چه میزان از صدا و سیما استفاده می کند؟

ج. تفکیک برنامه‌های صدا و سیما به لحاظ موضوعی و پاسخ به این سؤال که کدام یک از گروه‌های فوق به برنامه‌های سیاسی و اجتماعی صدا و سیما گوش داده یا نگاه می‌کنند؟ از سوی دیگر، برای پاسخ به جزء دوم پژوهش؛ یعنی توسعه سیاسی باید سؤالاتی از این قبیل را طرح کرد:

د. توسعه سیاسی به چه معناست؟

ه. مراد ما از توسعه سیاسی در ایران چیست؟

و. آیا مقصود از توسعه سیاسی، افزایش مشارکت مردم در حوزه قدرت سیاسی بوده یا آنکه صرفاً افزایش آگاهی‌های عمومی و سیاسی مدنظر است یا هر دو جنبه.

برای پاسخ به قسمت اصلی سؤال؛ یعنی فهم رابطه صدا و سیما و توسعه سیاسی می‌توان سؤالاتی را از این قبیل طرح کرد:

ز. آیا میزان استفاده مردم از صدا و سیما با میزان آگاهی آنان از حقوق اجتماعی و سیاسی‌شان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟ به بیان دیگر، آیا هر چه مردم بیشتر از صدا و سیما استفاده می‌کنند، نسبت به حقوق سیاسی خود آگاه‌تر می‌شوند؟

ح. آیا این افزایش آگاهی به افزایش مطالبات سیاسی شهروندان منجر شده است؟  
ط. آیا این مطالبات، در نهایت، به مشارکت آنان در قدرت سیاسی می‌انجامد؟ چگونه؟

جدول زیر موارد فوق را به تصویر می‌کشد:

جدول ۷. سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی

تأثیر برنامه‌های صدا و سیما بر فرآیند توسعه سیاسی در ایران		
قسمت دوم سؤال (صدا و سیما)	قسمت سوم سؤال	عنصر اصلی سؤال (تأثیر)
(سؤال‌های فرعی الف، ب، ج)	(توسعه سیاسی)	(سؤال‌های فرعی ز، ح، ط)
	(سؤال‌های فرعی د، ه، و)	

### ۸. صورت‌بندی پرسشی

یکی دیگر از راه‌های شفاف کردن سؤال آن است که پژوهشگر سعی کند تا در

صورت امکان موضوع ویژه و مسأله اصلی پژوهش را به صورت جمله‌ای سؤالی طرح نماید. این امر به مشخص شدن تمرکز اصلی سؤال پژوهش کمک می‌کند.

● مسأله پژوهش بدون طرح سؤال: توسعه سیاسی و امنیت ملی.

● توسعه سیاسی چگونه می‌تواند به تقویت امنیت ملی منجر شود؟

● آیا توسعه سیاسی می‌تواند باعث افزایش شاخص‌های امنیت ملی شود؟

در مثال بالا، طرح نخستین مسأله پژوهش، صورت سؤالی نداشته و تمرکز سؤال نامشخص است. در حالی که در سؤال دوم با مفروض گرفتن این مهم که توسعه سیاسی می‌تواند به امنیت ملی منجر شود، باید چگونگی تأمین امنیت ملی به وسیله توسعه سیاسی را نشان داد. در سؤال سوم چنین مفروضی وجود نداشته و لذا باید به دنبال اثبات اصل تأمین امنیت، توسط توسعه سیاسی رفت.

البته هنگامی که صورت مسأله پژوهش به اندازه کافی شفاف باشد، نیازی نیست که ضرورتاً مسأله پژوهش، صورت سؤالی داشته باشد. (۷)

صورت‌بندی مسأله پژوهش، به شکل یک جمله سؤالی، به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که با طرح پاسخی مقدماتی هم به شفاف‌تر نمودن سؤال دست یافته و هم پیوستگی و همگونی پژوهش خود را حفظ کند. سؤال پژوهش و پاسخ آن برای پژوهشگر نقش مبدأ و مقصد را برای مسافر را دارد. با طرح سؤال شفاف، پژوهشگر می‌تواند مکان و نقطه شروع خود را بازشناسی نماید و با طرح پاسخی مقدماتی می‌تواند هم طرح کلی از مقصد احتمالی خود را ترسیم کرده و هم پیوستگی اجزا و عناصر کار تحقیقاتی و مسیر آتی و مراحل پژوهش را تضمین کند.

اغلب دانشجویان، نقشی را که یک پاسخ احتمالی و مقدماتی در شفاف نمودن خود سوال دارد، نادیده می‌گیرند.

البته این امر به هیچ وجه به این معنا نیست که پژوهشگر با هر ترفندی سعی در اثبات پاسخ مقدماتی خود داشته باشد بلکه باید احتمال بدهد که ممکن است به نتیجه‌ای معکوس هم برسد. پاسخ مقدماتی براساس اطلاعات و دانسته‌های موقتی، ناقص و محدود ما پیشنهاد شده است. این پاسخ، فقط زمانی قابل اطمینان است که مبتنی بر تحقیقات کافی باشد. به طور کلی در مبحث روش‌شناسی، اینکه چه نتیجه‌ای در پژوهش



حاصل شده اهمیت اساسی ندارد. آنچه که از نقطه نظر روش تحقیق مهم است، چگونگی رسیدن به یک نتیجه است و به دیگر بیان، اتکای نتیجه بر مستندات کافی، استدلال‌های منطقی و مشاهدات تجربی نکته مهم است. مثال زیر شفافیت بیشتری به بحث فوق می‌بخشد.

فرض کنید که سؤال ما از این قرار است: توسعه سیاسی چگونه می‌تواند به امنیت ملی منجر شود؟ یکی از پاسخ‌های مقدماتی این مطلب می‌تواند باشد که توسعه سیاسی همراه افزایش سهم شدن بخش گسترده‌تری از شهروندان در قدرت اقتصادی یا قدرت سیاسی منتهی به افزایش تعهدات، دلبستگی‌ها و پایداری آنان به حکومت می‌شود؛ در نتیجه بخش گسترده‌ای از شهروندان منافع و خواسته‌های خود را با نظام و حکومت مستقر پیوند خورده می‌بینند و این امر به نوبه خود باعث حمایت آنان از حکومت و نظام مستقر می‌گردد، در حالی که اگر شهروندان سهمی از قدرت نداشته باشند، عدم دلبستگی آنان به حکومت، تشدید شده و در حمایت و دفاع از نظام مستقر در مقابل تهدیدات تلاش نخواهند نمود.

این پاسخ، تعاریف اخص‌تری را از سؤال مطرح می‌کند و وضوح بیشتری بدان می‌بخشد. بدین مفهوم که مقصود از توسعه سیاسی، گسترش حوزه نفوذ شهروندان در قدرت اقتصادی و سیاسی است و تأمین امنیت ملی از طریق گسترش حوزه نفوذ شهروندان در قدرت اقتصادی و سیاسی قابل دسترسی است. از سوی دیگر جهت کلی پژوهش نیز مشخص می‌گردد. بدین مفهوم که پژوهشگر باید به سراغ شاخص‌های اقتصادی و سیاسی توسعه سیاسی برود که عبارتند از عواملی چون، میزان خصوصی‌سازی و مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد، میزان تمرکزگرایی اقتصادی، انتخابات و تنوع و تکثر سیستم انتخاباتی، حزب و... پیوستگی و یک‌دستی پژوهش در صورتی تأمین می‌گردد که پژوهشگر خود را در این چارچوب کلی حفظ نموده و در مسیر تحقیق به ورطه موضوعات دیگر نلغزد.

## ۹. نمونه‌های سؤال‌های مبهم و ناقص

پس از ذکر راهنمایی‌های لازم جهت دستیابی به یک سؤال شفاف، بهتر است

نمونه‌هایی از سؤال‌های مبهم و ناقص آورده شود تا به صورت عینی تر مشکلات فراروی دانشجویان نشان داده شود. در جدول زیر در ستون اول به طرح سؤال‌های مبهم و در ستون دوم به طرح سؤال‌های اصلاح شده و شفاف می‌پردازیم.

جدول ۸. نمونه‌های سؤال‌های مبهم، ناقص و شفاف

شفاف	نمونه سؤال‌های ناقص یا مبهم یا کلی
- نقش نظامی بسیج در عملیات نظامی در جنگ ایران و عراق. - رابطه فرهنگ بسیجی و فرهنگ اخلاقی جامعه ایران در سال‌های ۵۹ تا ۶۷.	نقش بسیج در مدیریت فرهنگی و نظامی
سیاست خارجی ج.ا.ا. در ارتباط با مذاکرات صلح خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی؛	جایگاه ایران در خاورمیانه
واحد پول اروپا چه تأثیری در فرایند همگونی اقتصادی اتحادیه اروپا دارد.	نقش واحد پول اروپا در مسائل بین‌المللی
استراتژی نظامی ج.ا.ا. در دهه اول پیروزی انقلاب و نقش آن در امنیت دفاعی ایران.	نقش استراتژی در امنیت ملی ج.ا.ا.
؟	نقش مریبان‌تریتی در درونی کردن ارزش‌های انقلاب در دبیرستان‌های پسرانه منطقه ده تهران
؟	آیا رضاخان توانست با علما رابطه برقرار کند؟
؟	چرا کشورهای جهان سوم نتوانسته‌اند همانند کشورهای پیشرفته صنعتی جهان از رشد کافی برخوردار باشند؟

۱. سؤال‌های این جدول از بین سؤال‌های کارهای تحقیقی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌های مختلف تهران گزینش شده است.

۲. ابهام برخی سؤال‌ها به حدی است که دقیقاً نمی‌توان تشخیص داد که دانشجو در پی چیست؟ از این‌رو صورت‌بندی یک سؤال شفاف را براساس قصد دانشجو ناممکن می‌سازد. در جدول فوق در مقابل اینگونه سؤال‌ها علامت پرسش (?) گذاشته شده است.

### ۱۰. عنوان پژوهش و سؤال آن (عنوان تحلیلی)

بسیاری از دانشجویان، پرسش پژوهش خود را از عناوین برخی از کتاب‌ها یا مقاله‌ها بر می‌گیرند؛ غافل از آنکه این عناوین، به لحاظ سلیقه‌های متنوع نویسندگان، عناوینی کلی است که ضرورتاً به معنی این نیست که نویسندگان فاقد سؤالی دقیق می‌باشند. معمولاً در مقدمه این‌گونه کتاب‌ها یا مقاله‌ها، نویسندگان سوال پژوهش خود را به شکلی شفاف مطرح می‌کنند و در چند بند (پاراگراف) یا چند صفحه به شرح و تفصیل سؤال خود و تحدید حدود آن می‌پردازند.

دانشجو می‌تواند پس از تحدید حدود سؤال پژوهش و پس از انجام کار تحقیقاتی عنوانی کلی بر کار تحقیقاتی خود بگذارد ولی این امر به معنی طرح یک سؤال کلی، مبهم یا ناقص نباید تلقی گردد. البته توصیه می‌شود، دانشجویان برای پایان‌نامه‌های خود عناوین تحلیلی استفاده کنند؛ به این مفهوم که عنوان پایان‌نامه خود را به صورتی کامل مطرح نمایند که سؤال پژوهش به شکلی شفاف نشان داده شود. (۸)

### ۱۱. کلمات و واژه‌های انحراف

گاه در صورت‌بندی یک سؤال، وجود یک واژه یا کلمه به ابهام ذهنی انحراف و دانشجو دامن می‌زند؛ از این‌رو فهم دقیق واژه‌های سوال پژوهش، امری ضروری است. دانشجویان باید بدانند که در پژوهش علمی نه فقط جمله‌ها؛ بلکه واژه‌ها نیز وزن دارند و با اهمیت تلقی می‌شوند. گاه در علوم انسانی واژه‌ها قابل تفسیرهایی متعدد و متفاوتند. بعضی مواقع دانشجو تصور و تعریف دقیقی از واژه‌ها ندارد و به صرف اینکه یک واژه را بکرات شنیده است، تصور می‌کند که معنی و مفهوم آن واژه را می‌داند. مثلاً «توسعه» یعنی چه و مقصود از ترکیب «توسعه سیاسی» چیست؟ بسیاری از دانشجویان بدون اینکه بدانند توسعه سیاسی چه مفهوم یا مفاهیمی دارد، مثلاً به بررسی «نقش توسعه سیاسی» در امنیت ملی ج.ا.ا می‌پردازند. و به‌طور کلی این امر را نادیده می‌گیرند که باید

مفهوم «توسعه سیاسی» و «امنیت ملی» را بشناسند و بشکافند و آنگاه به بررسی «نقش» توسعه سیاسی در امنیت ملی بپردازند. از این گذشته، باید مقصود خود را نیز از واژه «نقش» مشخص کنند و بدانند که مثلاً می‌خواهند از طریق «نقش» به رابطه این دو مقوله با یکدیگر بپردازند. بررسی «رابطه» امر مهمی است که دانشجو را از انحراف دیگری برحذر می‌دارد و آن عبارت است از پرداختن به اصل سؤال. در سوال فوق باید رابطه توسعه سیاسی را با امنیت ملی کشف کرد؛ ولی بعضی دانشجویان فقط به بیان برخی مباحث و نظریه‌هایی راجع به توسعه سیاسی و نیز امنیت ملی پرداخته و از اصل سؤال که کشف و بررسی «رابطه» این دو است، غافل می‌مانند.

### نتیجه

پرسش و پرسشگری شفاف، یک هنر است. هنری که نیازمند ظرافت‌ها و دقت‌هایی است که با مهندسی سؤال پژوهش میسر می‌گردد. برای شفاف‌سازی پرسش پژوهش می‌توان از تکنیک‌هایی بهره جست. پژوهشگر ابتدا باید مطالعاتی مقدماتی پیرامون موضوع پژوهش خود انجام دهد. پرسش شفاف از جهل مطلق نسبت به امری پدید نمی‌آید. پژوهشگر با داشتن دورنمایی کلی از موضوع مورد پژوهش، به تفکیک شقوق مختلف موضوع پژوهش مبادرت می‌ورزد. این تفکیک می‌تواند محتوایی، زمانی و مکانی باشد. پژوهشگر در سایه این تفکیک‌ها می‌تواند به تحدید حدود سوال خود بپردازد و از ابهام و کلی بودن دوری‌گزیند. در عین حال پژوهشگر می‌تواند با شناخت و تعریف مفاهیمی که در پرسش وجود دارد به شفاف‌سازی سؤال خود مبادرت ورزد.

### یادداشت‌ها

1. Dunn, William, Public Policy Analysis: An Introduction, Prentice - Hall, 1981.

۲. علی دلاور، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۴، صص ۴۹-۶۵.

۳. سیف نراقی و نادری، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم اجتماعی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۶.

4. Chevrier, Jacques, La specification de la problematique, in: Gauthier, Benolt, Recherche sociale, Quebec, Press de l'Université du Quebec, 1993.
5. Goel, M. L., Political Science Research A Methods Handbook, Iowa state University Press, 1988.  
Mace, Gordon. Guide d'elaboration d'un projet de recherche, Press de l'Université Laval, 1989.
6. آریانیپور، ا.ح.، پژوهش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۲۳.
7. دلاور، پیشین، ۱۳۷۴.
8. Contandropoulos, A.P., et al. Savoir preparer une recherche, Montreal, Press de l'Université de Montreal, 1989.
9. همان.